

بازنمایی شیطان در رسانه ملی براساس آموزه‌های اسلامی (موردکاوی: سریال‌های اغماء و او یک فرشته بود)

علی رجب‌زاده طهماسبی*

چکیده

سیما و شخصیت شیطان به عنوان موجودی که از جانب پروردگار رانده شده است، همواره بحث‌برانگیز بوده است. شیطان در برابر پروردگار سوگند یاد کرده است که همواره تلاش خواهد کرد انسان‌ها را از صراط مستقیم دور سازد و آنها را به سمت خود یعنی به سوی کفر و شرک به پروردگار هدایت کند. قرآن کریم همواره انسان را از فریب و شیطان برحذر داشته است. با توجه به تأکیدات قرآن کریم و منابع دیگر همچون احادیث و روایات، شخصیت شیطان برای مسلمانان و مؤمنان منفور است. سینما و تلویزیون به عنوان مهمترین و پرمخاطب‌ترین رسانه جهانی، سعی در بازنمایی و مصور کردن دنیای نامرئی و ماورایی داشته‌اند. زیرا نه تنها برای انسان پرسش‌برانگیز است، بلکه بازنمایی چنین موجودات و جهانی، انسان را در شناخت و درک آنها یاری می‌دهد. اما بدون تردید این بازنمایی باید قبل از هر چیز بر آموزه‌های اسلامی تکیه کند. سریال تلویزیونی/اغماء و او یک فرشته بود، که توسط رسانه ملی تولید و پخش شده‌اند، ابلیس را به تصویر کشیده‌اند. پژوهش حاضر تلاش دارد به روش کیفی و توصیفی، ابتدا سیما و جایگاه ابلیس را در جهان مورد واکاوی قرار دهد و سپس با تحلیل موضوعی این دو سریال تلویزیونی به چگونگی بازنمایی ابلیس در رسانه بپردازد.

کلید واژه: بازنمایی. شیطان. رسانه. سینما. تلویزیون.

۱. مقدمه

اهمیت و ضرورت تحقیق

ابلیس و شیاطین به دلیل اینکه با چشم ظاهری قابل رؤیت نمی‌باشند، درک، شناخت و پی‌بردن به حقیقت وجودی آنها برای آدمی همواره اهمیت داشته است. در عین حال که شناخت طبیعت و امور مرتبط با آنها امری سهل و آسان نیست، ولی این موجودات جایگاه مهم و نقش اساسی در زندگی بشر و به طور کلی در جهان هستی دارند. قرآن مجید به عنوان مهمترین و بزرگترین راهنمای انسان در طول حیاتش است در مورد ملائک سخن گفته است و گاهی به طور آشکار و گاهی به صورت مبهم به آنها، اعمال و جهان منحصر به فرد آنها پرداخته است. بازنمایی نادرست آنها در رسانه ملی، موجب می‌شود که در ذهن مردم به شکل خرافات و یا افسانه را به خود بگیرند. بنابراین پژوهش در راستای چگونگی بازنمایی ابلیس یا شیطان در رسانه ملی کشور از ضرورت بسیاری برخوردار است.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهشگران متعددی نیز در حوزه فرشته‌شناسی کتاب‌های ارزنده‌ای را ارائه کرده‌اند که می‌توان به سه کتاب از عباسعلی کامرانیان با عناوین **عصیانگر**؛ بررسی خلقت، کارها و انواع شیطان (۱۳۸۷)، **فرشته‌ها** (۱۳۸۸)، **جن**؛ بررسی خلقت، زندگی و کارهای جنیان براساس آیات قرآن کریم، روایات ائمه اطهار (ع) و حکایات واقعی نوشته عباسعلی کامرانیان (۱۳۸۹) و کتاب‌های دیگری از جمله **فرشتگان** نوشته **دایاناکوپر** (ترجمه فریبا مقدم) و **فرشتگان** (تحقیقی قرآنی، روایی و علمی) نوشته **علی رجالی تهرانی** (۱۳۷۶) اشاره کرد. همچنین پایان نامه‌های متعددی در این زمینه در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد نگاشته شده است اما این پژوهش‌ها معمولاً به صورت توصیفی و در جهت شناساندن فرشتگان و شیاطین و جهان و امور مرتبط با آن هستند و به تحلیل جایگاه و ارتباط رسانه‌ها با فرشتگان پرداخته‌اند، و همچنین راهکارهای کاربردی و عملی در زمینه بازنمایی فرشتگان در یک رسانه در سطح ملی در کشور اسلامی ایران پژوهشی صورت نگرفته است. در این پژوهش، علاوه بر قرآن کریم و احادیث و روایات معتبر، تفسیر و تحلیل

متفکران و عالمانی همچون علامه مجلسی، طباطبائی، جعفری و ... مورد توجه قرار گرفته است.

۳. اهداف پژوهش

- ۱- استفاده فیلمسازان و برنامه‌سازان بالاخص در تلویزیون از نتایج پژوهش برای بهبود کیفی آثارشان
- ۲- ارائه صحیح معارف‌های اسلامی در قالب‌های جذاب و سرگرم‌کننده (کتاب، فیلم، برنامه تلویزیونی و ...)
- ۳- بازشناسی رسانه به خصوص رسانه ملی و اسلامی در جامعه دینی ایران و قدرت آن برای غلبه بر تهاجمات فرهنگی.

۴. پرسش‌های پژوهش

- ۱- آیا رسانه‌ها این توانایی را دارند که مفاهیم و پدیده‌های مابعدالطبیعی را به معرض نمایش بگذارند؟
- ۲- رسانه‌های دیداری و شنیداری جمهوری اسلامی ایران تا چه اندازه‌ای در بازنمایی درست و حقیقی سیمای شیطان موفق بوده است؟
- ۳- برای جلوگیری از تحریف‌ها و خرافاتی که از طریق رسانه‌ها وارد اذهان بشر می‌شود چه راهکارهایی را باید در پیش گرفت؟

۵. مفهوم واژه شیطان

کلمه شیطان برگرفته شده از واژه «شطن» به معنی خبیث و پست می‌باشد که در اصلاح به مفهوم موجود یاغی و شریر می‌گویند. یکی از سوالاتی که در مورد شیطان پرسیده می‌شود، این است که آیا شیطان نیز از جمله فرشتگان بوده است؟ در قرآن از شیطان با نام ابلیس یاد شده است. شیطان اسم عام می‌باشد و به هر موجود منحرف کننده، سرکش و خبیث می‌توان گفت در حالیکه ابلیس اسم خاص می‌باشد و قرآن با همین نام شیطان (ابلیس) را خطاب می‌کند. قرآن مجید صراحتاً اعلام می‌کند که شیطان از جنس جن بوده است. در آیه ۵۰ سوره کهف آمده است که " هنگامی که به فرشتگان گفتیم که بر آدم

سجده کنید، سجده کردند مگر ابلیس که از جن بود...". علاوه بر اینکه در این آیه فرشته نبودن ابلیس مشخص می‌شود، ولی به دو نکته دیگر هم اشاره می‌شود اول اینکه فرشتگان قبل از انسان خلق شده‌اند و دیگر اینکه خداوند آدمی را برتر از فرشته قرار داده و فرشتگان از درک مقام آدم عاجز هستند. تفاوت بارز دیگری که شیطان با فرشتگان دارد در این است که شیطان می‌تواند زاد و ولد داشته باشد. " اسم ابلیس در آغاز عزرائیل بود. او وقتی به سن ازدواج رسید با دختری از جن به نام «لهبا» یا «لهیا» ازدواج کرد و پس از این ازدواج فرزندان زیادی از آنها تولد یافت و شیاطین در جهان زیاد شدند".^۱ در مورد تولد شیطان از امام صادق(ع) روایت شده است که: " پس از آنکه خداوند تبارک و تعالی نار سموم را که آتشی بدون دود و حرارت بود خلق کرد از آن مارچ را آفرید. سپس برای مارچ همسری به نام مارچه آفرید که افراد زیادی از طایفه جن از جمله ابلیس از آنها تولد یافتند"(غفاری، ۱۳۸۹: ۴۸). بنابراین ابلیس از جنس فرشتگان نیستند و تفاوت‌های فاحشی با آنها دارد. اما سوآلی که اکنون پیش می‌آید این است که در آیات قرآنی آمده است که خداوند به فرشتگان دستور می‌دهد که سجده کنند و ابلیس سجده نمی‌کند. در آیات قرآنی آماده است که به شیطان اجازه داده شده تا روز قیامت زنده بماند و تلاش کند تا بندگان خداوند را گمراه کند. بنابراین شیطان همیشه در کمین بشر قرار دارد و از هر ترفند، فریب و وسوسه‌ای برای گمراهی آدمی بهره می‌جوید. در سوره حجر آمده است که: *قَالَ فَاصْرُخْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ* وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ* قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ* قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ؛* " فرمود: از صف آنان(فرشتگان) بیرون رو، که رانده شده‌ای. و لعنت حق تا روز قیامت بر تو خواهد بود. گفت: پروردگارا! مرا تا روز رستاخیز مهلت بده. فرمود: تو از مهلت یافتگانی تا روز و وقت معینی و ...".^۲ به همین خاطر خداوند هشدارهایی به انسان در برابر شیطان داده است. امام باقر در این مورد می‌فرماید: " منظور از آمدن شیطان به سراغ انسان از پیش رو اسن است که آخرت و جهانی را که در پیش رو دارد در نظر او سبک و ساده جلوه می‌دهد و منظور از پشت سر این است که آنها را به گردآوری اموال و تجمع ثروت و بخل از پرداخت حقوق واجب به خاطر فرزندان و وارثان دعوت می‌کند و منظور از طرف راست این است که امور معنوی را به وسیله شبهات و ایجاد شک و تردید ضایع می‌سازد و منظور از طرف چپ این است که لذت مادی و شهوات را در نظر آنها جلوه می‌دهد"^۳. (تفسیر مجمع البیان ج ۴/۳۰۴)

۶. بازنمایی شیطان

شیطان نیز همچون فرشتگان در رسانه‌ها مورد تحلیل و بازنمایی قرار گرفته است. ولی براساس قرآن کریم و منابع مستند، شخصیت و جنس ابلیس و شیاطین با فرشتگان متفاوت است. در فصول گذشته شخصیت، جنسیت، اعمال و ویژگی‌های شیاطین مورد بررسی قرار گرفت. اکنون دو اثر تلویزیونی که در آنها ابلیس بازنمایی شده است مورد نقد و تحلیل قرار می‌گیرد. شیطان، علاوه بر سینما، در هنرهای همچون نقاشی و گرافیک نیز، بازنمایی شده است. به عنوان مثال چگونگی ارتباط شیطان با حضرت آدم (ع) از مناقشه برانگیزترین مسائل دینی در ذهن نویسندگان، پژوهشگران و مردم عادی می‌باشد. سریال‌های **اعماء** و **او یک فرشته بود**، از جمله آثاری هستند که در سال‌های اخیر در ماه مبارک رمضان از تلویزیون پخش شده‌اند و هر کدام به دلیل بازنمایی ابلیس، مورد نقد و انتقادهای فراوانی قرار گرفته‌اند. از مهمترین ابزار شیطان و سوسه، اغوا و دروغ است. در واقع برای آنکه ویژگی‌های شیطان را مشخص شود، تنها لازم است به کارها و اعمالی که خداوند، انسان را از آنها منع کرده است، رجوع شود. آن اعمال همان کارها و ویژگی‌های شیطان خواهند بود. "رسول خدا(ص) فرموده‌اند: پس از آنکه شیطان از درگاه الهی رانده شد و او را به روی زمین فرستادند، از خداوند حاجاتی خواست. خداوند فرمود: حاجات چیست؟ شیطان تقاضای مکان و خانه کرد و خداوند حمام را خانه او قرار داد. جایی برای نشستن تقاضا کرد و خداوند، کوچه‌ها، بازارچه‌ها، خیابان‌ها و مغازه‌ها را (برای ریا، کم‌فروشی، گران‌فروشی، دروغ‌گویی، خیانت و ...) برای او قرار داد. شیطان غذا خواست و خداوند سفره‌هایی که در آنها غذا خوردن بدون بسم‌الله شروع می‌شود، را برای او قرار داد. نوشیدنی خواست و خداوند شراب و مستی را برای او قرار داد و" (کامرانیان، ۱۳۸۷: ۵۸).

شیطان علاوه بر این خصوصیات، دارای ویژگی‌ها و همچنین محدودیت‌های دیگری نیز نسبت به انسان و فرشتگان دارد. شیطان رانده شده و از نعمت‌های خداوند بی‌بهره است و هرگز نمی‌تواند از جایگاه خود بالاتر رود. در برخی سریال‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی، به علت عدم دقت و توجه کافی به جزئیات زندگی شیطان، ترسیم سیمای واقعی شیطان، دچار انحرافات فراوانی می‌شود. در واقع می‌توان گفت در رسانه امروز، دقت و تمرکز برای تصویرسازی شیطان، اهمیت بیشتری نسبت به دیگر فرشتگان دارد، زیرا نه تنها تصویر شیطان فضای جاذبه بیشتری به اثر و متن می‌بخشد بلکه شخصیت شیطان (از لحاظ

رازآمیزی و نقش او در هستی)، جذابیت بیشتری برای انسان دارد. به همین علت دارای مخاطبان بیشتری هستند و به همین دلیل، انحراف در تصویر چنین شخصیتی، راحت‌تر می‌تواند موجب خرافه‌گرایی شود.

همچنانکه در فصول گذشته اشاره شد، شیطان با فرشتگان تفاوت‌های آشکاری دارد؛ از جن بودن، توانایی زاد و ولد، توانایی سرپیچی کردن از دستورات پروردگار و ... از این موارد هستند. مهمترین عمل شیطان وسوسه کردن و فریفتن است و این کار را تا جایی ادامه می‌دهد که انسان به گناه مرتکب شود ولی باید توجه کرد که شیطان تسلطی بر روی بشر ندارد و فقط می‌تواند او را وسوسه کند و گناه را در نظر او لذت بخش سازد. بنابراین اگر انسان ایمان محکمی داشته باشد و در برابر نفس خود استقامت نشان دهد، شیطان هرگز نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. امام صادق(ع) می‌فرماید:

"هیچ قلبی نیست مگر اینکه دو گوش دارد؛ در یکی ملک مرشد ارشاد می‌کند یعنی توصیه به نیکوکاری و حقیقت و خیر می‌کند و در گوش دیگرش شیطان فتنه‌گر توصیه به کارهای بد و شر می‌کند. شیطان انسان را امر به معاصی می‌کند و فرشته‌ی هادی نهی از معاصی می‌کند. به همین جهت هر انسانی مسئول اعمال خویش است و بنا به این آزادی انتخاب پیروی از خداوند متعال یا اطاعت از شیطان است که به انسان پاداش و عقاب داده می‌شود.^۴ نخستین نکته‌ای که در مورد سریال‌های مذکور قابل بحث است تجسم و تمثیل شیطان می‌باشد. آیا شیطان می‌تواند به شکل و شمایل انسان در آید؟ آیا تمثیل شیطان در هیئت انسان فقط برای پیامبران بوده است یا برای ارتباط با دیگر انسان‌ها نیز می‌تواند به نقش انسانی عادی در بیاید؟

شیطان با اشکال و چهره‌های مختلفی بر پیامبران ظاهر شده است. شیطان همسر حضرت ایوب(ع) را که با کمال وفاداری و صمیمیت به پرستاری آن حضرت کمر بسته بود، و در طول مدت فقر و بیماری او اظهار خستگی نمی‌کرد، وسوسه کرد و سبب شد که آن زن نزد حضرت ایوب(ع) رفته و از حال خود و ایوب شکایت کند.(محلّاتی، ۱۳۸۵: ۳۴۰). خداوند جایگاه شیطان را به حضرت عیسی(ع) نشان داد و آن حضرت شیطان را دید که سرش مانند سرماز بود.(کامرانیان، ۱۳۸۷: ۱۶۹). مثال‌های فراوان دیگری وجود دارد که نشان می‌دهد پیامبران می‌توانند شیاطین را ببینند.

همچنین روایاتی وجود دارد که به جز پیامبران، افراد دیگری نیز می‌توانند شیطان را در شمایل‌های مختلفی ببینند. "حارث بن هاشم" که ابلیس را به صورت سراقه می‌دید، با او

گلاویز شد. ابلیس محکم بر سینه حارث کوبید به طوری که از اسب سرنگون شد و ابلیس نیز فرار کرد" (همان: ۱۸۴). در روایتی دیگر از امام رضا(ع) از پدران گرامی خود، آمده است: روزی نزدیک کعبه نشسته بودم، ناگهان پیرمردی را دیدم گوژپشت که از شدت پیری ابروهای او بر روی چشمش افتاده، عصایی در دست، کلاه سرخی بر سر و لباس پشمینه‌ای بر تن، نزدیک پیغمبر اکرم(ص) آمد و عرض کرد: یا رسول الله(ص)! دعا کن تا خداوند مرا بیامرزد. رسول خدا(ص) فرمود: ای پیرمرد سعی و کوشش تو بی‌ثمر و عمل و خواسته تو بی‌فایده است. پیرمرد از آنجا رفت و پیامبر اکرم(ص) فرمودند: یا ابالحسن! او شیطان لعین بود... (همان: ۱۸۵).

در فیلم **ایوب پیامبر(ع)** برای ترسیم شیطان لحظه‌ای که همسر حضرت ایوب(ع) را وسوسه می‌کند، دقیقا از چنین توصیفات استفاده شده و شیطان را به همین شکل نشان داده‌اند. البته در برخی روایات چهره شیطان در هنگام برخورد با همسر حضرت ایوب(ع) به گونه‌ای دیگر تشریح شده است. "وقتی ابلیس نتوانست بر حضرت ایوب(ع) مسلط شود، به سراغ همسر او حوا رفت. شیطان به صورت جوانی زیبارو از حوا خواست گوسفندی را نزد حضرت ایوب(ع) ببرد. (کامرانیان، ۱۳۸۹: ۱۲۷). از همین روست که سازندگان و اهالی رسانه باید تحقیقات فراوانی در ترسیم چنین شخصیت‌هایی به عمل آورند و مستندترین و معتبرترین آنها را برای اقتباس انتخاب کنند.

ترسیم شیطان در سریال یا فیلم با مشکل مهمی روبه‌رو است. اگر سازنده شیطان را به شکل انسان به تصویر بشکند، امکان ناامنی و فضای رعب و وحشت در میان مخاطبین وجود دارد. زیرا ممکن است مردم نسبت به حرف اطرافیان خود و حتی مؤمنین هم بی‌اعتماد شوند. برخی از منتقدان تصویر شیطان را در فقط برای پیامبران صحیح می‌دانند و به جز این مورد، معتقدند که تجسم و تمثیل شیطان را بر خلاف فرامین الهی می‌باشد.

اصولاً ترسیم شیطان در قالب انسان در مقابل هر فرد عادی و معمولی خلاف آموزه‌های دینی است. اگرچه شیطان به شکل یک انسان در مقابل پیامبران گوناگون ظاهر شده‌است، اما که پیامبران جزو موارد خاص و معدود هستند و در مقوله استثنائات جای می‌گیرند. "امکان نمایش شیطان ممکن است در قالب یک انسان، باعث به‌وجود آمدن فضای بی‌اعتمادی در جامعه می‌شود و اینکه دیگر نمی‌توان به کسی اعتماد کرد، و در این میان حتی به حرف‌ها و نظرات بهترین و مؤمن‌ترین دوستانمان نیز بی‌اعتماد می‌شویم" (محمد احسانی فر، www.iqna.ir). از طرف دیگر، چنین سریال‌هایی می‌تواند

موجب شوند مردم بیشتر به اعمال و رفتار شخصی و روابطشان با مردم دیگر توجه کنند و رفتارها و اعمال شیطانی را تشخیص دهند. مشکل اصلی که در تجسم شیطان وجود دارد. در سریال تلویزیونی/اغماء نیز به شدت مرد انتقاد قرار گرفت، نمایش وسوسه‌های شیطان است.

۷. سریال اغماء

شیطان در هر لحظه می‌تواند تعداد بیشمار و بی‌نهایتی از مردم را وسوسه کند (یکی از دلایل این امر قدرت تولید مثل شیطان و تعداد بیشمار فرزندان او یا همان شیاطین می‌باشد)، اما در چنین سریال‌هایی همچون *اغماء*، شیطان که به شکل جوان زیبارویی به نام الیاس (با بازی حامد کمیلی) در آمده است، فقط چند نفر را وسوسه می‌کند، درحالی‌که شیطان این توانایی را دارد که انسان‌های متعددی را به طور همزمان وسوسه کند. اما در این سریال، زمانیکه شیطان در حال فریفتن شخصی است، نمی‌تواند به سراغ فرد دیگری برود. و این مخالف فرامین الهی و جهان لاهوتی می‌باشد. نسل شیطان و شیاطین به شکل‌های گوناگون همه جا پراکنده شده و در اطراف زمین منزل گرفتند، به طوری که در بیابان‌ها، جنگل‌ها، راه‌ها، نهرها و محل نگهداری حیوانات سکونت دارند (غفاری: ۶۱).^۵ نکته مشکل‌ساز در مورد سریال *اغماء* چهره نورانی و تسبیحات شیطان می‌باشد. فیلمساز برای فریب مخاطب، چهره مرد جوان (شیطان) را در نور سبز قرار داده است در حالی که نور سبز نوری ملکوتی و یکی از نشانه‌های پیامبر اکرم (ص) و خاندان ایشان می‌باشد و شایسته نیست موجودی همچون شیطان نورانی (به ویژه نور سبز) نمایش داده شود.

از طرف خداوند به شیطان اجازه داده شده است که در شمایل انسان سعی در فریب دادن بندگان داشته باشد، ولی قطعاً محدودیت‌هایی برای او وجود دارد. در سفینه البحار آمده است که روزی که کفار مکه در ((دار الندوه)) برای مشورت در مورد قتل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اجتماع کردند، شیطان به صورت پیرمرد نجدی وارد مجلس شد و دستوره‌های لازم را در این باره داد. خداوند او را آگاه کرد و فرمود: به یاد بیاور زمانی را که مشرکان مکه نقشه می‌کشیدند تو را یا به زندان اندازند یا به قتل رسانند و یا تبعید کنند، و چاره اندیشی می‌کردند، ولی خدا نقشه آنان را نقش بر آب کرد.^۶

از طرف دیگر در این سریال شیطان در حال تسبیحات نمایش داده می‌شود. آیا شیطان می‌تواند تسبیحات داشته باشد؟ آیا او نماز یا روزه و یا ذکر الهی را انجام می‌دهد؟

آیا به شیطان اجازه داده می‌شود که در نقش یک عبادت‌کننده ظاهر شود؟ بی‌گمان شیطان از راه فریب‌ها و نیرنگ‌های فراوان و متفاوتی می‌تواند درصدد انحراف بندگان خداوند باشد و براساس روایتی از امام صادق(ع) حتی می‌تواند در شکل یک عابد ظاهر شود. "عابدی در میان بنی اسرائیل زندگی می‌کرد که به دنیا و زخارف آن پشت کرده بود. روزی ابلیس لشکریان خود را فراخوانده و از آنها خواست تا به شکلی در او نفوذ نمایند. هر کسی پیشنهادی به ابلیس داد، ولی هیچکدام مورد قبول ابلیس واقع نشد. تا آنکه یکی از شیاطین پیشنهاد کرد تا از راه نیکوکاری و احسان در او نفوذ نمایند. ابلیس نظر او را پذیرفت تا آنکه آن شیطان نزد عابد آمده و با او مشغول عبادت گشت" (کامرانیان، ۱۳۸۹: ۳۷۹).

شیطان به طرق مختلفی می‌تواند انسان را فریب دهد، اما مسئله اینجاست که شیطان چه زمانی این قدرت تسلط را پیدا می‌کند؟ اینکه شیطان می‌تواند آزادانه تمام ترفندهایش را در مورد انسانی پیاده کند، به دلیل آن است که انسان به او این اجازه را داده است و قلبش را با تردید و شک آلوده کرده است. قرآن کریم از زبان شیطان می‌گوید: "من سلطه‌ای بر شما نداشتم، جز اینکه شما را دعوت کردم و شما هم دعوت مرا اجابت کردید". (سوره ابرهیم، آیه ۲۲). بنابراین زمانیکه انسان با شرک و تردید قلبش را از پاکی و آرامش و نور الهی خالی کرد، شیطان به درونش می‌تواند نفوذ کند و همدم او باشد و گرنه همچنانکه قبلاً اشاره شد، انسان به طور مدام از سوی فرشته‌ها به سوی پروردگار و نیکوکاری، دعوت می‌شود، ولی زمانیکه انسان به همه این‌ها پشت کند، در نتیجه باید فقط از شیطان پیروی کند چون خودش خواسته است. منزل شک، منزل شیطان است. شهید مطهری گفته است: شیطان جنبه رسوخ در بان انسان را دارد که کارش فقط این است که انسان را به بدی و شر و معصیت دعوت کند، ولی این دعوت، اجبارکننده نیست.^۷

توجه سریال **اعماء** به این نکته قابل تأمل است. دقیقاً زمانی که پزشک فیلم پس از مرگ همسرش، دچار شک می‌شود، و به عدالت خداوند تردید می‌کند، مردی جوان (با بازی حامد کمیلی) در نقش ابلیس، وارد زندگی او می‌شود و این دقیقاً مطابق آیه ۱۰۰ سوره نحل می‌باشد: "تسلط شیطان تنها بر کسانی است که دوستش می‌دارند و به خدا شرک می‌آورند". نقش زن در سریال **اعماء** یکی دیگر از موارد قابل توجه است. همچنانکه در برخی کتب و مکاتب دیده ایم شیطان در ابتدا حوا را فریب می‌دهد و سپس حضرت آدم(ع) نیز فریب می‌خورد. اما قرآن کریم فعل فریب‌خوردن را در مورد هر دو به کار می‌برد. قرآن کریم فرموده است: "و گفتیم: ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن؛ و

از (نعمت‌های) آن، از هر جا که می‌خواهید، گوارا بخورید؛ (اما) به این درخت نزدیک نشوید؛ که از ستمگران خواهید شد. پس شیطان با (فریب‌دانشان) موجب لغزش آنها از بهشت شد؛ و آنان را از آنچه در آن بودند، بیرون کرد...". (سوره مائده، آیه ۹۱).

سریال **اعماء** برای آنکه نشان دهد معیار ایمان و خداپرستی و پرهیزکاری یک انسان ربطی به جنسیت ندارد، پزشک فیلم (که مذکر است) را به شکل یک شخص فریب‌خورده و پیرو شیطان، و «پری» و «بردیا» (شخصیت‌های دیگر سریال) را به عنوان افرادی آشکارکننده چهره دروغین مرد جوان (شیطان) نشان می‌دهند. سریال **اعماء** برای آنکه مخاطب بداند که شیطان می‌تواند در نفس آدمی رسوخ کند و همچنین برخی انسانها به دلیل پیروی زیاد از شیطان، خودشان به شیطان بدل شدند (یعنی آنهایی که خداوند رهیشان کرده است)، شیطان را به شمایل یک انسان به تصویر در آورده است که در ظاهر، باطن شیطانی‌اش مشخص نمی‌باشد. این رویکرد در سریال **اعماء**، موجب شده که از چهره‌آرایی‌هایی که در سینمای غرب از شیطان می‌شود و تصویر عجیب و غریبی که برخی از عوام از شیطان دارد، پرهیز شود. اما در عین حال که در برخی روایات و احادیث به چهره‌ی ترسناک شیطان اشاره شده است، ولی نباید فراموش کرد که شیطان به دلیل توانایی در باطن بشری، و قدرت تمثل، می‌تواند به هر شکلی در بیاید.

در تصویرسازی شیطان و حتی فرشتگان، بیشتر از آنکه سیما و چهره‌ی ظاهری‌شان اهمیت داشته باشد، اعمال و کردارشان اهمیت دارد که؛ اولاً مخاطب به ویژه مخاطبان مسلمان کشورمان که با آموزه‌های اسلامی آشنا هستند، آنها را باور کند و ثانیاً مخاطبان را دچار سردرگمی و انحراف از آموزه‌های دینی نسازد. یکی از سوالات مهمی که با دیدن سریال **اعماء** در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد، این است که آیا شیطان برای فریب هر کسی، به شکل یک انسان عادی، بر او ظاهر می‌شود؟ آیا ما که برخی مواقع دچار گناه می‌شویم، شیطان در شمایل یک انسان ما را فریب داده است؟ و آیا همه انسان‌ها می‌توانند شیطان را ببینند؟ در تفسیر نمونه آمده است که تأثیر شیطان در وجود انسان یک نوع تأثیر مخفی و پنهانی است به طوری که انسان خیال می‌کند این فکر نظر راوی، فکر و نظر و رأی خود اوست. از همین روست که شیطان را خناس (خود را مخفی می‌کند و مخفیانه اعمالش را انجام می‌دهد) می‌نامند.^۸ خداوند نیز در قرآن کریم به گام‌های شیطان اشاره کرده است که مقصود همان وسوسه‌های نیرنگ‌آمیز او می‌باشد. " ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از گام‌های شیطان پیروی نکنید، (زیرا) هر کس پیرو گام‌های شیطان شود، او به فحشا و منکر فرمان می‌دهد" (سوره نور، آیه ۲۱). شیطان نافرمانی از خداوند را در نظر گنهکاران زیبا جلوه

می‌دهد و گناه را در نظر آنها کوچک نشان می‌دهد. به عنوان مثال در سنن جوانی فکری به ذهن آدمی خطور می‌کند مبنی بر اینکه تا جوان است از زندگی لذت ببرد، و عبادت و طاعت خداوند را به سنن پیری موکول کند، نمازش را نخواند، روزه نگیرد، شراب‌خواری کند و یا در پی فحشا برود. این مبحث بویژه در عصر امروز به وضوح دیده می‌شود. بنابراین شیطان و شیاطین در اکثر موارد مخفیانه، انسان را وسوسه می‌کنند و او را به سوی نافرمانی از دستورات الهی فرا می‌خوانند مگر در موارد نادری همچون داستان عابد و ابلیس که از امام صادق(ع) نقل شده است. در نتیجه برای بوجود نیامدن چنین شبهاتی در مورد سریال *اعماء*، و یا هر فیلم دیگری که چهره شیطان را به نمایش در می‌آورد، بهتر آن است بیشتر از وسوسه‌ها و نیرنگ‌های شیطان استفاده شود تا اینکه شیطان، همچون انسانی معمولی، در ارتباط با شخصیتی قرار بگیرد. البته مخاطبان نباید فراموش کنند که هر اثری دارای نقص‌هایی می‌باشد و ممکن است در برخی مواقع دقیقاً مطابق آموزه‌ها و دستورات الهی نباشد. بنابراین با مشاهده چنین آثاری، قبل از پذیرش آن، باید به قرآن کریم، و دیگر منابع معتبر رجوع بکنند.

زمانیکه در مورد تجسم، تصویر و ترسیم عالم ملکوتی صحبت می‌شود و آثار تولید شده را مورد نقد و حتی انتقاد قرار می‌گیرند، نباید این ذهنیت را به وجود بیاورد، که تصویر چنین عوالمی از اساس، اشتباه است و همواره ایراداتی به وجود می‌آید که انسان را دچار گناه می‌کند. تجسم و مادی‌نمودن عالم باقی با تمام مؤلفه‌ها و عناصرش، گناه محسوب نمی‌شود، زیرا قرآن کریم برای درک بهتر بندگان خداوند، تصویر مادی از بهشت و دوزخ ارائه کرده است. همچنانکه در سوره طه، خداوند به شکل آتش بر حضرت موسی(ع) تجلی می‌یابد. اما مسئله این است که ترسیم شخصیت‌هایی همچون فرشتگان یا شیطان و شیاطین، نیاز به تحقیق و تفحص فراوانی دارد و خلق چنین داستان‌ها و شخصیت‌های غیرمادی، نباید براساس خیالپردازی یا اقتباس از تفکر و جهان‌بینی غربی یا ادیانی همچون مسیحیت و یهود باشد. بلکه تنها اسنادی که مورد اقتباس قرار می‌گیرند باید منطبق بر آموزه‌های اسلامی باشند، اسنادی همچون قرآن کریم، احادیث و روایات معتبری که از ائمه اطهار(ع) نقل شده‌اند.

دلیل این امر، حضور مخاطبانی است که مسلمان می‌باشند و با منابع اسلامی آشنایی دارند. بنابراین درامی که به تصویر در می‌آید نباید با جنبه‌های نمایشی، اصول درام‌نویسی و جلوه‌های بصری، مفاهیم معنوی و مذهبی را بپوشاند، و فقط به دنبال جذب مخاطب باشد. سینما و تلویزیون و به طور کلی داستان، با خیال‌پردازی همراه است. دکتر سیروس شمیسا

در تعریف داستان می‌نویسد: "داستان اثری است روایی به نثر که مبتنی بر جعل و خیال است" (شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۶۳).

۸. او یک فرشته بود

سریال دیگری که در حوزه فرشتگان و البته شیطان قابل تأمل است، سریال تلویزیونی *او یک فرشته بود* می‌باشد که در ماه مبارک رمضان از شبکه دوم سیما، پخش شده است. بارزترین نکته‌ای که در مورد این سریال جلب توجه می‌کند و مناقشات فراوانی به همراه داشت، تصویر یک زن به عنوان شیطان است. زمانی که در رسانه شیطان یا فرشته‌ای به تصویر در می‌آید، جنسیت او، از اولین دغدغه‌هایی است که ذهن سازندگان و در زمان پخش، ذهن مخاطبان را به خود مشغول می‌کند.

همانطور که قبلاً توضیح داده شد قرآن کریم به صراحتاً در این مورد مشخص کرده است که این موجودات، همچون موجودات زمینی دارای جنسیت (مذکر و مؤنث) نیستند. اما در مورد شیطان تفاوت‌هایی وجود دارد. زیرا شیطان فرشته نیست و از جنیان می‌باشد. امام صادق (ع) درباره‌ی آفرینش شیطان فرموده است: "پس از آنکه خداوند متعال «نار سموم» که آتشی بدون دود و حرارت (شعله‌ی درخشانده) بود را خلق کرد از آن «مارج» را آفرید. سپس برای مارج همسری به نام «مارجه» آفرید. ابلیس و فرزندان زیادی از طایفه‌ی جن از این دو نفر متولد شدند. ابلیس نیز با زنی به نام «لهیا» از طایفه جن ازدواج کرد. از این زن یک بار «بلقیس و طونه» و بار دیگر «فقطس و فقطسه» به دنیا آمدند. نسل شیطان و شیاطین از این‌ها زیاد شد" (کامرانیان، ۱۳۸۹: ۲۵۹).

با توجه به این روایت، ابلیس باید مذکر باشد. شخصیتی که در این سریال تصویر شده بود، ابلیس را نمایان می‌کرد نه شیاطین را، زیرا شیاطین که همان فرزندان ابلیس می‌باشند می‌توانند مؤنث و یا مذکر باشند، ولی خود ابلیس مذکر است. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا ابلیس که بر طبق روایات مذکر است می‌تواند به شکل یک زن ظاهر شود؟ در برخی روایات ذکر شده است که برخی از شیاطین به شکل زن در آمده‌اند.

بنابراین مطابق با منابع اسلامی، شیطان به شمایل یک زن ظاهر نشده است و این تفکر که شیطان می‌تواند در کالبد یک زن ظاهر شود، برخاسته از تفکرهای غیر اسلامی، غربی و ادیان گذشته می‌باشد که البته بسیاری از دستورات آنها تحریف شده است. همانطور که قبلاً هم اشاره شد در تورات شیطان به شکل مار ابتدا حوا را فریب می‌دهد. چهره و عبارت

زن اغواگر که امروزه به وفور در سینمای غرب به ویژه در هالیوود شنیده می‌شود و چنین شخصیتی اکثراً در ژانر نوآر^۹ وجود دارد، زاده تفکری مدرن و امروزی است که البته سرچشمه‌اش را باید در تحریفات ادیان گذشته جستجو کرد. در این نوع جهان‌بینی زن به دلیل مؤلفه‌های جسمی و روحی، بیشتر در معرض گناه و انحراف قرار دارد و نسبت به مرد، به شیطان و اعمال شیطانی نزدیکتر است. بنابراین چنین نگره‌ای که ابلیس زن است، یا بیشتر در زن نفوذ می‌کند، منشأ اسلامی ندارد و از آن دسته تحریفات و خرافه‌هایی است که متأسفانه در ذهن بسیاری از مردم، جایگزین حقیقت شده است. حضور شیطان در شکل زن، حتی موجب شده که ساختار دراماتیک اثر نیز لطمه بخورد، زیرا شیطان به دلیل اینکه مؤنث است بیشتر در فکر گمراه کردن مردان است، در حالیکه در اسلام، جنسیت انسان‌ها برای شیطان مهم نیست و برای او فقط، لطمه زدن به ایمان بندگان خداوند، اهمیت دارد.

البته در این سریال شیطان به شکل مرد نیز نمایان می‌شود در نتیجه ناخودآگاه این سؤال دوباره تکرار می‌شود که آیا شیطان برای فریب و گمراهی انسان‌ها، هر بار در شمایل یک انسان ظاهر می‌شود؟ شیطان برای فریفتن انسان، نیاز به تمثیل یا تغییر چهره ندارد. او با اجازه ای که خداوند به او داده است، می‌تواند قلب و روان انسان را وسوسه کند و از هر طرف او را به سوی گناه دعوت کند یا به عبارتی دیگر معصیت را در نظر انسان، زیبا جلوه دهد. شیطان در باطن او چنان رخنه می‌کند که انسان می‌پندارد وسوسه‌های شیطان، از ذهن و قلب خودش سرچشمه می‌گیرد.

در سریال *او یک فرشته بود*، شخصیت مرد، به علت غروری که دارد، یا به عبارتی دیگر در لحظه‌ای که مغرور می‌شود، دعوت شیطان را می‌پذیرد و پس از آن گناهان دیگری همچون بی‌احترامی به مادر، خیانت به همسر و ... را مرتکب می‌شود. این نکته بسیار مهمی در بازنمایی شیطان است. شیطان به یک گناه توسط انسان بسنده نمی‌کند، بلکه مدام در تلاش است که انسان را بیشتر از خداوند دور سازد و او را در گناه و معصیت فرو ببرد. البته سریال *اعماء* نسبت به سریال *او یک فرشته بود*، گناهان بیشتری از جمله شک و تردید، کفر، قضا شدن نماز و ... را به شکل عمیقتری مورد بررسی قرار داده است.

تجسم شیطان یا فرشتگان، پرسش مهم و رایجی را در ذهن اکثراً مخاطبان ایجاد می‌کند. آیا زمانیکه فرشتگان به صورت انسان در می‌آیند، می‌تواند رفتارهای انسانی همچون غذا خوردن، خوابیدن و ... را داشته باشد؟ همانطور که قبلاً نیز توضیح داده شد، تمثیل فرشتگان، ماهیت واقعی آنها را تغییر نمی‌دهد. قرآن کریم در داستان حضرت ابراهیم (ع) به

طور غیر مستقیم به این نکته اشاره کرده است. چنین امری در سریال‌هایی همچون سریال ملکوت که در مورد فرشتگان ساخته شده، با دقت و براساس آموزه‌های اسلامی تبیین شده است. در سریال *او یک فرشته بود*، شیطان گاهی رفتارهای انسانی از خودش نشان می‌دهد غذا می‌خورد، عصبانی می‌شود و ... ولی به دلیل اینکه شیطان فرشته نیست و از اجنه می‌باشد، می‌تواند چنین اعمال داشته باشد. مسئله دیگری که در مورد این سریال پیش می‌آید عنوان آن است؛ *او یک فرشته بود!* در حالیکه شیطان فرشته نیست و چنین عنوانی مخاطبان را دچار شبهه می‌کند.

شیطان در این سریال، دارای محدودیت‌هایی است که با ماهیت واقعی شیطان مغایرت دارد. شیطان در هر لحظه می‌تواند انسان‌های فراوانی را فریب دهد و محدودیت زمانی و مکانی برای او معنی ندارد و همچون انسان، در جهان مادی محصور نیست، ولی در این سریال، شیطان همچون انسان عمل می‌کند و از محدودیت‌های او برخوردار است. برای ظاهر شدن در نقشیک مرد و حضور در خانه وی، ناچار است که از خانه «بهداد» غیب شود و یا برای ارتباط با شخص دیگریاز تلفن استفاده کند، در حالی شیطان اساساً برای فریفتن انسانها نیاز به این ندارد که از محلی به محلی دیگر برود. شیطان و شیاطین از جنیان هستند و توانایی های آنها با ذهن محدود انسان درک نمی‌شود.

۹. نتیجه گیری

در این پژوهش سیمای حقیق شیطان فرشتگان در متون اسلامی همچون قرآن کریم و احادیث و روایات و همچنین دیگر متون دینی نشان داده شد. همچنین تصویر فرشتگان و شیاطین در رسانه‌های غیراسلامی نیز مورد توجه قرار گرفت، زیرا تفکر موجود در رسانه‌های غیر دینی انحرافات را در اذهان به وجود آورده و حتی بر رسانه‌های دینی و اسلامی نیز تأثیر گذاشته است.

ترسیم شیطان از مواردی است که در هر دو تفکر دینی و غیر دینی مورد تأمل قرار گرفته است. ترسیم شیطان به شکل و شمایل زن، به جهان‌بین و فرهنگ جاهلی، افسانه‌ها و اساطیر باستان (که فرهنگ غرب از آنها الهام می‌گیرد) وابسته است. همچنانکه اشاره شد بسیاری از متفکران غیر اسلامی معتقدند که شیطان ابتدا حوا را فریفته است و حوا حضرت آدم(ع) را، در حالیکه قرآن کریم و دین اسلام چنین اعتقادی را مردود می‌شمارد. بنابراین در دین مبین اسلام زن و مرد، جایگاه یکسانی در نزد خداوند دارند و فقط اندازه ایمان،

موجب تمایز انسان‌ها می‌شود. از طرف دیگر بر طبق روایات معتبر، ابلیس فرشته نیست و از جنیان می‌باشد و از نظر جنسیت مذکر است. بنابراین ترسیم و تصویر ابلیس با فرشتگان متفاوت است. از طرف دیگر اهالی رسانه باید آگاه باشند که شیطان در شرایط خاص و برای انسان‌های خاصی مجسم می‌شود و هر انسانی قدرت رؤیت آن را ندارد. با این تفاسیر تحلیل و تفسیر سیما و شخصیت واقعی ابلیس نیاز به مطالعه و پژوهش بسیاری دارد. اهالی رسانه پیش آنکه این شخصیت را در نظر مخاطبان مجسم کنند باید همچون یک پژوهشگر، پژوهش‌های کافی را در این حوزه انجام داده باشند. آثاری که در این حوزه در سینما و تلویزیون تولید شده‌اند متأسفانه گاهی به شدت متأثر از رسانه‌های غربی بوده است که این هم بر تسلط کافی سینماگران و برنامه‌سازان بر جایگاه شیطان در جهان از منظر اسلام بوده است. سریال‌های تلویزیونی اغماء و او یک فرشته بود، گام‌های مثبتی در این راستا و قابل ستایش هستند اما اشتباهات و ضعف‌هایی در این آثار از جمله ترسیم شیطان به صورت زن بدون توجیه و عدم دلایل محکم برای تمثیل و تجسم شیطان، دیده می‌شود که هم به دلیل تأثیرات غربی و هم به خاطر نقص در تحقیقات در این حوزه، می‌باشد. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که برای مقابله با انحرافات غربی در زمینه ادیان الهی، لازم است که مسلمانان با تسلط بر آموزه‌های اسلامی آثار تصویری مناسب و فاخر تولید کنند تا نه تنها جهانیان را با ذات حقیقی اسلام و جایگاه فرشتگان و شیاطین در عالم هستی، آشنا کنند بلکه به درستی و با قدرت کافی در برابر تبلیغ‌های نادرست و ضداسلامی ایستادگی کنند.

پی‌نوشت

۱. تفسیر برهان، ج ۲، ذیل آیات سوره حجر
۲. سوره حجر، آیه ۲۸-۴۴
۳. مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. ابوعلی فضل بن الحسن الطبرسی (شیخ طبرسی). ترجمه‌ی علی کرمی
۴. شرح اصول کافی. ج ۲. باب قلب.
۵. محسن غفاری. ابلیس‌نامه. ص ۶۱.
۶. سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار. شیخ عباس قمی. ۱۳۵۹ قمری. صفحه ۴۰۳
۷. مرتضی مطهری. حرکت و زمان در فلسفه اسلامی. ص ۳۳۹.

۸. تفسیر نمونه. ج ۱. ص ۵۷۴.

۹. فیلم نوآر حدودا از ۱۹۴۰ شروع و تا اوایل قرن ۲۰ ادامه داشتند. نوآر در فرانسه به معنای سیاه و فیلم نوآر به فیلم سیاه معنی گرفت. در این میان رمان های ریموند چندلر و داشیل همت تاثیر فراوانی بر این جریان گذاشت

منابع و مراجع

قرآن کریم

- بحرانی، سید هاشم. تفسیر برهان (تفسیر روایی شیعه). دوره نه جلدی. تهران. ۱۳۸۹.
- رازی، فخرالدین محمد، تفسیر کبیر، ترجمه علی اصغر حلبی، انتشارات اساطیر. تهران. ۱۳۷۹
- رسولی محلاتی، سید هاشم، تاریخ انبیاء (قصص قرآن از حضرت آدم(ع) تا خاتم النبیین(ص))، قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۵.
- شمیسا، سیروس، انواع ادبی، تهران، نشر میترا، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.
- شیخ طبرسی (ابوعلی فضل بن الحسن الطبرسی). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ترجمه‌ی علی کرمی صدرالمآلهین شیرازی، شرح اصول کافی (جلد سوم)، ترجمه محمد خواجه‌وی. موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۰.
- طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات امیرکبیر. ۱۳۷۶.
- غفاری، محسن، ابلیس نامه، نشر پیام آزادی، ۱۳۸۹.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷.
- قمی سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار. شیخ عباس ۱۳۵۹ قمری
- کامرانیان، عباسعلی، فرشته‌ها؛ تحقیق قرآنی، روائی، عقلی و نقلی، پیرامون زندگی، کارها، انواع جنس و ... فرشتگان، قم، انتشارات نور قرآن و اهل بیت(ع)، چاپ دوم ۱۳۸۸.
- کامرانیان، عباسعلی، جن؛ بررسی خلقت، زندگی و کارهای جنیان براساس آیات قرآن کریم، روایات ائمه اطهار(ع) و حکایات واقعی، قم، انتشارات نور قرآن و اهل بیت(ع)، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.
- کامرانیان، عباسعلی، عصیانگر؛ بررسی خلقت، کارها و انواع شیطان(۱)، قم، نشر مجنون، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
- مطهری، مرتضی، حرکت و زمان در فلسفه اسلامی، تهران، حکمت، چاپ سوم، ۱۳۶۹.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب(ع)، ۱۴۲۱ هجری قمری.